

# تأثیر تربیتی مادر بر رشد هوش کلامی فرزند با تأکید بر آموزه های اسلام

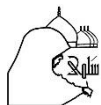
زهرا حانمی ملکی<sup>۱</sup>

## چکیده

زبان به ارتباط‌هایی گفته می‌شود که فقط بین انسان‌ها صورت می‌گیرد، چه این ارتباط کلامی باشد و چه غیر کلامی. با این تعریف، زبان تمام مهارت‌های گفتن، نوشتن، شناخت علائم و کاربرد آن‌ها را شامل می‌شود. گاهی هم زبان به معنای مهارت کلامی انسان به کار می‌رود؛ یعنی همان ویژگی منحصر به فردی که آدمی را از سایر موجودات ممتاز می‌سازد و به او برتری می‌بخشد. تکلم، رفتاری بی‌نهایت پیچیده است و برای اینکه کودک بتواند چنین رفتار پیچیده را کسب کند، به حداکثر کمک دیگران نیاز دارد. تکلم کودک منعکس کننده تمام عوامل فیزیکی و محیطی است که بر او اثر می‌گذارند. تمام این تجربیات و صفات فیزیکی، روانی، آموزشی و اجتماعی کودک در ایجاد مشکلات گفتاری و رفع آن دخالت دارند. روابط کودک و مادر چون شبکه و نظامی در هم پیچیده است که مادر در رأس این نظام قرار داشته و بیشترین تأثیر را در رشد کودک بخصوص رشد هوش کلامی او می‌گذارد.

این مقاله به تأثیر تربیتی مادر در رشد هوش کلامی کودک با محوریت مفهوم شناسی، نقش وراثت و محیط بر رشد هوش کلامی، عوامل موثر بر رشد هوش کلامی و نقش مادر در رشد هوش کلامی کودک پرداخته است.

**واژگان کلیدی:** رشد، هوش، هوش کلامی، تربیت.



انسان زبان را به عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به یک هدف یاد می‌گیرد. این وسیله به قدری مهم است که گاهی خود جای هدف را می‌گیرد. علت اهمیت زبان در عصر حاضر این است که مربیان، امروز به آن دیگر مانند مجموعه‌ای از اصوات، الفاظ و ترکیبات نگاه نمی‌کنند، بلکه آن را همچون آینه صافی می‌دانند که افکار و عواطف انسان در آن منعکس می‌شوند و بزرگ‌ترین وسیله قابل اطمینان برای حفظ میراث فرهنگی در گذشت زمان است و نیز زبان است که میان فرد و محیط اجتماعی ارتباط برقرار می‌کند. به طور کلی، می‌توان وظایف اصلی زبان را چنین خلاصه کرد: ۱- وسیله‌ای برای ارتباط و تفاهم، ۲- وسیله تعبیرهای روانی و ذهنی، ۳- وسیله تحصیل علم و گسترش تجارب، ۴- وسیله تفکر، ۵- وسیله تحکیم روابط ملی، وسیله سازگاری است.

دگرگونی حاصل از رشد کلامی در ارتباط کودک با سایرین، این فرصت را به ما می‌دهد که به جرأت بگوییم مهمترین اثر زبان، امکان برقراری ارتباط صحیح و گسترده با دیگر افراد است. زبان و رشد سریع آن در کودک، دستاورد بسیار با ارزشی است که در سیر کلی رشد او و به ویژه رشد اجتماعی، نقش اساسی دارد. با شروع تکلم، کودک وارد دنیایی جدید می‌شود. زبان به او امکان می‌دهد که با وارد شدن به اجتماع بزرگ، از یک سو خود را به دیگران بشناساند و از سوی دیگر دیگران را بشناسد و به تدریج از حالت خود محوری که ویژگی دوران کودکی است رو به اجتماعی شدن بگذارد.

### مفهوم شناسی

بهترین راه برای اظهار نظر درباره هر مطلب و عنوانی، این است که در ابتدا مفاهیم آن مورد بررسی قرار گیرد تا مقدمه‌ای برای فهم بهتر و تحلیل دقیق‌تر موضوع باشد. بنابراین در مرحله نخست، مفاهیم «رشد، هوش، هوش کلامی و تربیت» بیان می‌گردد.



## ۱- رشد

رشد، تعاریف گوناگونی دارد. کلمه رشد از ریشه «ر ش د» گرفته شده، ابن منظور، رشد را در مقابل ضلال و گمراهی دانسته است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۱۷۵)، این تعریف در مجمع البحرین صفحه ۶۴۹ نیز آمده است، همچنین تعریف دیگری که شده: «به راه راست شدن، هدایت، مقاومت در طریق حق، بالیدن است». (معین، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۱۱۷۰)

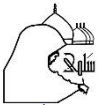
یکی از عام‌ترین تعاریف بدین شرح است: «رشد عبارت است از همه تغییرات و تحولاتی که از زمان تشکیل سلول تخم تا هنگام مرگ در انسان روی می‌دهد. رشد حرکتی مستمر، دائمی و پیوسته بوده گاهی آهسته و زمانی همراه با جوش و خروش است. ممکن است کیفیت رشد ملموس نباشد ولی نباید تصور کرد که جریان رشد متوقف شده است» (احدی، ۱۳۷۹، ص ۱۷). اصطلاح رشد به تغییرات کمی و کیفی با هم اطلاق می‌شود. می‌توانیم «رشد» را یک رشته تغییرات تدریجی پیشرو منظم و مرتبط به هم تعریف کنیم. منظور از «تدریجی و پیشرو بودن» این است که، تغییرات رشدی جهت دار هستند و به پیش توجه دارند. و «منظم و مرتبط بودن» به این معنا است که میان تغییرات قبلی و تغییرات بعدی رابطه معینی وجود دارد (شعاری نژاد، ۱۳۸۶، ص ۱۰۴).

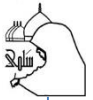
## ۲- هوش

هوش<sup>۱</sup> یکی از مهم‌ترین زمینه‌ها در روان‌شناسی امروز و در عین حال یکی از مشکل‌ترین مفاهیم برای تعریف کردن است. به این جهت که هوش، ظرفیت یادگیری از تجربه و همچنین توانایی سازگاری با محیط اطراف را دارد. روان‌شناسان همچنین این تعریف را با تاکید بر اهمیت فراشناخت<sup>۲</sup> - درک افراد از

<sup>۱</sup> - Intelligence

<sup>۲</sup> - Metacognition





فرایندهای شناختی خودشان و کنترل و نظارت بر آن - توسعه دادند. متخصصان معاصر نیز با شدت بیشتری بر نقش فرهنگ تاکید دارند. آن ها نشان داده‌اند آنچه را که در یک فرهنگ نشانه هوشمندی تلقی می‌شود، ممکن است در فرهنگ دیگر آن را نشانه حماقت بدانند (تقی زاده، ۱۳۹۳، ص ۳).

تا به حال تعریف کامل و جامعی از هوش ارائه نشده است. هر یک از تعاریف به یک جنبه یا جنبه‌های خاصی از هوش پرداخته است که از جمله آن‌ها، تعاریف زیر است:

- ۱- هوش توانایی تفکر انتزاعی است.
  - ۲- هوش توانایی شناختی فطری و عمومی را گویند.
  - ۳- هوش استعداد متراکم و یا کلی فرد است که موجب می‌شود با هدف عمل کند، منطقی بیندیشد و با محیط به طور موثر ارتباط برقرار کند.
  - ۴- هوش تمام دانشی است که فرد فرا می‌گیرد.
  - ۵- هوش واژه گسترده‌ای است که به توانایی‌های ذهنی فرد اشاره دارد. در این واژه مقدار دانش فرد، سرعت فهم، توانایی سازگاری با محیط جدید و ارتباط آن با دیگران، مورد نظر است. (بی ریا، ۱۳۷۵، ص ۷۲۰)
- روان‌شناسان شناختی متخصص در پژوهش هوش، نیز بر اهمیت یادگیری از تجربه و سازگاری با محیط تاکید کرده‌اند و تعاریف مختلفی دارند که در ذیل به برخی از آن اشاره می‌شود.

**ترمن:** استعداد مفهوم‌سازی و درک معنی و اهمیت آن‌ها.

**پینتنر:** توانایی افراد برای سازگاری بهتر با موقعیت‌های نسبتاً جدید در زندگی.

**کسلر:** ظرفیت کلی افراد برای فعالیت هدفمند، تفکر منطقی و کنار آمدن مؤثر با محیط.

**پیاژه:** اصطلاح کلی برای اشاره به سازمان‌دهی یا تعادل‌یابی ساخت‌های شناختی برای سازگاری با محیط فیزیکی و اجتماعی.

**گاردنر:** توانایی یا مهارت حل مسائل یا ساختن چیزی که در یک یا چند محیط فرهنگی با ارزش هستند (تقی‌زاده، ۱۳۹۳، ص ۵).

### ۳- هوش کلامی

سازه هوش در جریان بنا شدن ساخت‌های آن، هم تابع هماهنگی‌های تدریجی درونی و هم پیرو اطلاعاتی هستند که از تجربه بدست می‌آیند. از نظر زیستی درونسازی به منزله توحید عناصر برونی با ساخت‌های ارگانیزم است، در واقع هیچ رفتاری حتی اگر برای فرد تازگی داشته باشد شروع مطلق نیست و همواره با روان‌بنه‌های قبلی پیوند می‌یابد و در نتیجه به درونسازی کردن عناصر جدید، در ساخت‌هایی که

قبلا تشکیل یافته‌اند، اعم از اینکه مانند بازتاب‌ها، فطری یا قبلا کسب شده باشند، منتهی می‌گردد. (منصور، ۱۳۷۴، ص ۱۰۳)

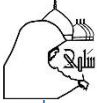
هوش کلامی یا هوش زبانی (Verbal/Linguistic Intelligence) به توانایی استفاده از کلمات و بیان (شفاهی یا کتبی) مفاهیم مختلف از طریق آنها اطلاق می‌شود. هوش کلامی یکی از هشت نوع هوشی است که توسط هوارد گاردنر معرفی شد.

هوارد گاردنر<sup>۱</sup> یکی از نظریه‌پردازان معاصر است که نظریه هوش چندگانه<sup>۲</sup> را مطرح کرده است. گاردنر خوش را به عنوان توانایی حل مسائل یا ساختن چیزی با ارزش تعریف می‌کند. او هوش را متشکل از چندین سازه مستقل می‌داند نه یک سازه واحد. این هشت نوع هوش عبارتند از: زبانی یا کلامی<sup>۳</sup>، منطقی یا ریاضی،

<sup>۱</sup>- Howard Gardner

<sup>۲</sup>- Theory of multiple intelligence

<sup>۳</sup>- Linguistic





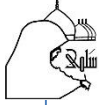
موسیقیایی، بدنی یا جنبشی، درون فردی، میان فردی و طبیعت گرایانه. نظریه گاردنر الزاماً به هشت هوش یا هشت توانایی منحصر نمی‌شود. منظور او از طرح این هوش‌ها اذعان به وجود توانایی‌های اندیشیدن درباره پرسش‌های بزرگ مربوط به معنای زندگی است. دلایل گاردنر برای وجود هوش‌های مختلف و جدا از هم به استناد شواهد حاصل از تحقیقات مربوط به صدمات مغزی است. بررسی‌ها نشان داده‌اند که صدمه به یک بخش خاص از مغز بر همه توانایی‌های ذهنی تأثیر یکسان ندارد. (تقی‌زاده، ۱۳۹۳، ص ۴۹)

#### ۴- تربیت

تربیت از ریشه «ر ب ب» گرفته شده، «رَبَّ الْقَوْمِ» به معنای سرپرست و مهتر آن قوم شد (لوئیس، ۱۳۸۶، ص ۲۴۳)، از تربیت تعاریف مختلفی همچون: پروردن قوای جسمی و روحی، یک عمل عمدی و آگاهانه، ایجاد کردن تغییرات مطلوب در کسی یا چیزی، پرورش، ادب و اخلاق را به کسی آموختن و ... نیز شده است. (انوری، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۱۶۸۶)

تربیت مصدر باب تفعیل از ماده «ر-ب-ب» یا «ر-ب-و» و به معنای پروردن و پروراندن و تهذیب است. ابن فارس معنای تربیت را به سه اصل بازمی‌گرداند: ۱. اصلاح کردن؛ ۲. همراهی کردن و ملازم بودن با موضوع تربیت که منظور از آن مراقبت مداوم از مرتب‌ی است؛ ۳. پیوستگی مرتب‌ی و مرتب‌ی در فرایند تربیت. از دیدگاه راغب و برخی واژه پژوهان معاصر، تربیت، ایجاد کردن تدریجی چیزی تا رسیدن آن به سر حد کمال است. در تعریفی دیگر تربیت فراهم ساختن بستری برای برانگیختن و رشد استعدادهای نهفته در یک موجود است، به نحوی که بتواند به شکلی مستمر او را در راه رسیدن به کمال وجودی یاری دهد. (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۲، ج ۷، ص ۶۴۹)

تربیت از دیدگاه اسلام عبارت است از: هدایت و اداره‌ی جریان ارتقایی و تکاملی بشر و ایجاد هیئت تازه در فرد به منظور فراهم آوردن زمینه برای رشد و



تکامل همه جانبه است «عَلَّمَكُمُ مَا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ» (بقره، ۲/ ۲۳۹). هدف از تربیت، سازندگی و آفرینندگی مداوم و تلاش برای تعدیل و تعادل میان نیازها و تمایلات است (عیسی فر، ۱۳۹۱، ص ۱۱۰). در چهار مورد از قرآن مجید که مساله تعلیم و تربیت به عنوان هدف انبیاء با هم ذکر شده است در سه مورد، «تربیت» بر «تعلیم» مقدم شمرده شده (سوره بقره آیه ۱۵۱- آل عمران ۱۶۴- جمعه ۲) و تنها در یک مورد «تعلیم» بر «تربیت» مقدم شده است؛ با اینکه می‌دانیم معمولاً تا تعلیمی نباشد تربیتی صورت نمی‌گیرد. بنا براین آنجا که تعلیم بر تربیت مقدم شده اشاره به وضع طبیعی آن است، و در موارد بیشتری که تربیت مقدم ذکر شده گویا اشاره به مساله هدف بودن آن است، چرا که هدف اصلی تربیت است و بقیه همه مقدمه آن است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص، ۴۵۸)

تربیت به منزله یک نیاز و ضرورت برای همه‌ی افراد جامعه در تمامی زمینه می‌تواند باشد و فرد و جامعه را بدان وسیله به سوی تعالی و ترقی رهنمون کند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: فرزندان‌تان را تکریم کنید و آنان را به نیکی تربیت کنید تا آموخته شده شوید. (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۲۳) کودک هنگامی که هنوز مسائل علمی و استدلالی را درک نمی‌کند، مطالب عاطفی را می‌فهمد. خشونت و تندی، ملایمت و نرمی، نوازش و مهربانی، احترام، بی‌اعتنایی و امثال این‌ها همه در کودک موثر است و رهبری صحیح این دوره‌ی حساس برعهده‌ی پدر و مادر است. (عیسی فر، ۱۳۹۱، ص ۱۱۰).

بنابراین بعهده مادران وظیفه بزرگ و مسئولیت سنگینی واگذار شده و می‌باید منتهای کوشش را بنمایند و فرزند عزیز خود را نیکو تربیت نمایند زیرا فرموده‌اند: «من لم یؤدبه الابوان یؤدبه الزمان»، هر که را پدر و مادر تربیت نکردند روزگار او را تربیت و ادب می‌نماید (ابن بابویه، ۱۳۶۶، ص ۷۸).

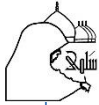


## نقش وراثت و محیط بر هوش کلامی

در شکل‌گیری هوش کلامی نقش محیط مهم‌تر است یا وراثت؟ این سوال سال‌هاست به چشم می‌خورد. روان‌شناسان به منظور یافتن اهمیت نسبی محیط و وراثت پژوهش‌های گسترده‌ای انجام داده‌اند و داده‌های بسیاری جمع‌آوری کرده‌اند. برای مثال: هوش‌بهر افرادی که با یکدیگر خویشاوندی دور یا نزدیک دارند، اندازه‌گیری و نتایج به دست آمده را با هوش‌بهر کسانی که هیچ نسبتی با هم نداشته‌اند مقایسه کرده‌اند. براساس نتایج تحقیقات عده زیادی از روان‌شناسان در نظریات قبلی خود تجدید نظر و در مورد پاسخ به این سوال که محیط مهم‌تر است یا وراثت به نقطه اعتدال رسیده‌اند. (تقی زاده، ۱۳۹۳، ص ۱۱)

درباره نقش محیط و وراثت در هوش همیشه بین روان‌شناسان اختلافاتی وجود داشته است. با این حال در سال‌های اخیر کشف شده است که نشانگرهای ژنتیکی هوش بر روی کروموزوم های ۴، ۶ و ۲۲ قرار دارند. «جنسن» نیز براساس مرور پژوهش‌های انجام گرفته روی دوقلوهای همسان و ناهمسان به این نتیجه دست یافت که هوش عمدتاً وراثتی است و محیط نقش کمتری در آن دارد. با این حال در نقطه مقابل این تحقیقات برخی اعتقاد دارند که وراثت آن قدر که جنسن ادعا می‌کند هوش را تعیین نمی‌کند. این محققان برای اثبات ادعایشان پژوهش‌های مختلفی را طراحی کردند که در آن‌ها تاثیر غنی‌سازی محیط، آموزش، تحصیلات و برقراری ارتباط بیشتر با کودکان در خانواده‌ها بررسی شده بود. نتایج این مطالعات نشان داد که این مداخلات نمره هوش‌بهر کودکان را افزایش می‌دهد. شواهد دیگری از تاثیر تعلیم و تربیت در هوش را فلاین به دست آورده است. او متوجه شد که هوش‌بهر افراد در چندین دهه گذشته به صورت قابل توجهی افزایش یافته است. او استدلال می‌کند چون این افزایش در طول مدت نسبتاً کوتاهی رخ داده است بنابراین نمی‌توان آن را معلول وراثت دانست. (همان، ص ۹۷)





تحول و تکامل رشد کلامی هم به عوامل ارثی و هم به تجربه‌های دوران زندگی کودک بستگی دارد یعنی؛ محیط خانوادگی، اجتماعی، آموزشی، عاطفی و میان کنش یا تاثیر متقابل آن‌ها در ساخت شخصیت و رشد روانی کودک از اهمیت فراوانی برخوردار است. توارث می‌تواند زمینه ساز رفتار ویژه‌ای در کودک باشد. اما خود رفتار هرگز از راه ارث منتقل نمی‌شود. رفتار در جریان تکامل ادراک و آموخته می‌شود. حتی رفتارهای بازتابی یا پاسخ‌های غیر شرطی در محیط نمی‌توانند بدون خاستگاه باشند. (پارسا، ۱۳۷۲، ص ۶).

در قرون گذشته بشر اجمالا از قانون وراثت خبر داشت، رسول اکرم و ائمه طاهرین (علیهم السلام) که حقایق را با نور وحی و الهام می‌دیدند به این قانون عظیم خلقت توجه کامل داشته و در بعضی از روایات درباره این راز بزرگ سخن گفته و کلمه «عرق» را معرف عامل وراثت قرار داده‌اند و به عبارت روشن‌تر همان معنایی را که امروز محافل علمی جهان از کلمه «ژن» استفاده می‌کنند. اخبار از کلمه «عرق» استفاده کرده است و برای نمونه بعضی از آن احادیث را بیان می‌کنیم؛ رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «أَنْظُرُ فِي أَيِّ شَيْءٍ تَضَعُ وَوَلَدَكَ فَإِنَّ أَلْعِرْقَ دَسَّاسٌ» (طبرسی، ۱۳۷۰، ص ۱۹۷)، این حدیث در کمال صراحت از قانون وراثت سخن گفته و از عامل آن به کلمه «عرق» تعبیر نموده است. به پیروان خود توصیه می‌کند، ببینید نطفه خودتان را در چه محلی مستقر می‌کنید، از قانون وراثت غافل مباشید، توجه کنید زمینه پاکي فرزندان شما وارث صفات ناپسند نشوند. همچنین علی (علیه السلام) فرمود:

«حُسْنُ الْخَلْقِ بُرْهَانُ كَرَمِ الْأَعْرَاقِ»، سجایای اخلاقی دلیل پاکي وراثت و

فضیلت ریشه خانوادگی است. (فلسفی، ۱۳۶۸، ص ۶۴)

همانطور که اشاره شد هوش هم مانند رفتار به خودی خود انتقال نمی‌یابد، بلکه ساختمان و قالب آن به وسیله ژن‌ها منتقل می‌شود. شک نیست که زمینه و محیط مساعد در رشد و پرورش هوش موثرند. کودک با هوش و با استعداد در



محیط خانوادگی و تربیتی خوب موفقیت‌های تحصیلی بیشتری خواهد داشت و کودک کم‌هوش از چنین مزیتی محروم خواهد بود. ویژگی‌های بدنی تا حد زیادی تابع عوامل ارثی هستند، اما تاثیر فرهنگ و شیوه زندگی مردم را در امر رشد نمی‌توان نادیده گرفت. زیرا این‌ها به نوبه خود می‌توانند موجب تندى یا کندى رشد شوند. (پارسا، ۱۳۷۲، ص ۴۷)

از لحاظ وراثت نقش مادر در کودک مهم است از آن بابت که طفل بخشی از صفات ارثی خود را از طریق ژن‌های او بدست می‌آورد و هم در طول مدت حیات خود در رحم و بعد در دوران شیرخوارگی ویژگی‌های ارثی مادر به او منتقل می‌گردد همانطور که در سوره مریم آیه ۲۸ آمده است: «**يَا بَٰرِئَةُ مَا كَانَ أَبُوكَ امْرَأًا سَوْءًا وَمَا كَانَتْ اُمًّا بَغِيًّا**». و بحث است در اینکه چگونه شده کنعان ناخلف گردیده و چرا حضرت نوح او را نیکو تربیت نکرده، باید گفت اخلاق و صفات مادر از مجرای خون و شیر در اولاد اثر می‌کند طبق قانون توارث، و برای همین است که در موضوع رضاع فرموده‌اند باید زن خوش اخلاق و با صفات نیکو و باایمان و خوش صورت انتخاب شود، و کنعان در اثر تحت تربیت مادر بودن اخلاق فاسد مادر در او اثر کرده و ناخلف شده است (ابن بابویه، ۱۳۶۶، ص ۷۸)؛ بنابراین مادران ما باید مراقب اعمال و رفتار خود باشند تا بتوانند در تربیت فرزند موفق باشند.

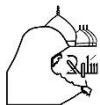
### **تأثیر آگاهی مادر بر رشد هوش کلامی کودک**

روان‌شناسان، پرورشکاران و جامعه‌شناسان همه تایید می‌کنند که خانواده یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین سازمان‌هایی است که به رشد کودک یاری می‌دهد. در خانواده است که کودک نخستین چشم انداز را از جهان پیرامون خود به دست می‌آورد و احساس وجود می‌کند. یعنی می‌آموزد چگونه حرف بزند، معاشرت کند، همکاری نماید، محبت و احترام روا دارد تا رفتارش مورد قبول واقع شود و در انجام خواسته‌هایش توفیق یابد. درواقع روابط صمیمانه اعضای خانواده

است که در تکوین رشد شخصیت کودک تاثیر می‌گذارد و در این رابطه مادر سهم مهمی را به عهده دارد. حضرت زین العابدین علیه السلام، ضمن بیان گوشه‌ای از زحمات طاقت فرسای مادر در مسیر رشد و تربیت فرزند فرمود: «هرگز کسی را به تنهایی یارای سپاس و تقدیر از مادر نیست، مگر اینکه از خداوند مدد جوید و از او توفیق انجام دادن این وظیفه را بطلبید. (محمدی ری شهری، ج ۱۰، ص ۷۱۲) و این حاکی از اهمیت وجود مادر برای رشد کودک است.

زبان و رشد سریع آن در کودک، دستاورد بسیار با ارزشی است که در سیر کلی رشد او و به ویژه رشد اجتماعی، نقش اساسی دارد. با شروع تکلم، کودک وارد دنیایی جدید می‌شود. زبان به او امکان می‌دهد که با وارد شدن به اجتماع بزرگ، از یک سو خود را به دیگران بشناساند و از سوی دیگر، دیگران را بشناسد و به تدریج از حالت خود محوری که ویژگی دوران کودکی است رو به اجتماعی شدن بگذارد. این نکته در بیان امام صادق علیه السلام خطاب به یکی از یاران اندیشمندش چنین آمده است: «ای مفضل! در نعمت که خداوند بر انسان ارزانی داشت، اندیشه کن؛ که انسان با آن، آنچه را در درون دارد ابراز می‌دارد و خاطرات قلبی و افکارش را بیان می‌کند و به کمک زبان آنچه را که دیگران در باطن دارند در می‌یابد، و اگر زبان نبود، انسان چون حیوانی گنگ بود که نه دیگران را از خود آگاه می‌ساخت و نه از دیگران مطلبی در می‌یافت. (مجلسی، ج ۳، ص ۸۲) در تشبیه امام صادق (علیه السلام) آمده که انسان بدون زبان جز حیوان یا مجسمه‌ای نیست. بدون زبان، انسانیت انسان به خطر می‌افتد. (بی‌ریا، ۱۳۷۵، ص ۶۷۰)

یکی از وظایف مادر بالا بردن سطح آگاهی و معرفت خویش است؛ چرا که هم با دلیل منطقی و هم با تجربه‌های فراوان به اثبات رسیده است که هر قدر سطح معرفت و دانش الهی انسان بالاتر برود فضائل اخلاقی در او شکوفاتر می‌شود که تاثیر مستقیم در تربیت فرزندان او دارد؛ و بعکس، جهل و فقدان معارف الهی ضربه شدید بر پایه ملکات فضیله وارد می‌سازد و سطح تربیتی او را تنزل می‌دهد.





به همین دلیل، در قرآن مجید در مورد دعوت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌خوانیم که او مبعوث شد تا آیات خداوند را بر مردم بخواند و از آلودگیهای اخلاقی و گناهان پاکسازی کند. «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَان كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» (سوره جمعه، آیه ۲) و به این ترتیب، نجات از ضلال مبین و گمراهی آشکار و همچنین پاکسازی از رذائل اخلاقی و گناهان به دنبال تلاوت آیات قرآن مجید و تعلیم کتاب و حکمت فراهم است که بی‌شک نشانه روشنی بر وجود ارتباط در میان این دو است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۷۵)

### ۱- نقش مهارت‌های شناختی مادر در تقویت هوش کلامی کودک

ارتباط میان مادر و فرزند، نه تنها از زمان تولد، بلکه حتی پیش از آن نیز اثر مهمی در رشد روانی کودک دارد. اشتیاق مادر به داشتن یا نداشتن کودک دلیلی بر این مدعا است و دارای اثری تعیین کننده در رابطه مادر و کودک است؛ همانطور که خداوند در آیه ۴۰ سوره طه به آن اشاره کرده است: «فَرَجَعْنَاكَ إِلَىٰ أُمِّكَ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا ۖ وَلَا تَحْزَنَ». شخصیت مادر و نگرش او نسبت به کودک نیز از اهمیت زیادی برخوردار است. مادر خونسرد و بی‌تفاوت و مادر پرمحبت و وظیفه شناس هرکدام در ساخت روانی کودک تاثیرهای متفاوتی دارند. همچنین، مادری که به فرزندش آزادی و ابتکار عمل می‌دهد با آن مادری که در هر یک از اعمال فرزند خود به دقت نظارت دارد فرزند جداگانه‌ای تربیت می‌کند.

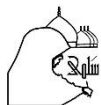
بعضی از روان‌شناسان تاکید می‌کنند که جدایی از مادر اختلال دائمی در کودک پدید می‌آورد. جدایی ناگهانی زمان بسیار زیان بخش خواهد بود که در خانه کسی نباشد جای مادر را بگیرد و کودک را از مراقبت‌های مادرانه محروم سازد. در چنین حالتی رشد اجتماعی، کلامی و حرکتی کودک به تاخیر می‌افتد.

(پارسا، ۱۳۷۲، ص ۷۶)

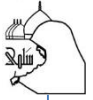
با بررسی کودکانی که در پرورشگاه‌ها رشد می‌کنند آشکار می‌شود که نقش مادر، در رشد و تکامل مهارت کلامی تا چه حد حائز اهمیت است. کودکان پرورشگاه پیش از زبان باز کردن بیشتر از سایر کودکان گریه می‌کنند ولی در مقابل کمتر صداهایی که شبیه به ادای لغات است تولید می‌کنند. فقدان رابطه نزدیک با مادر و یا شخص جانشین وی موجب عقب افتادگی از نظر کلی و بخصوص در امر رشد و تکامل گویایی اینگونه کودکان است. آن‌ها دیر زبان باز می‌کنند و در سراسر زندگی در امر رشد و تکامل زبان از دیگران عقب‌ترند.

نه تنها مقدار وقتی که کودک در کنار مادر خود می‌گذراند در رشد کلامی او اهمیت دارد بلکه نوع رابطه‌ای که بین کودک و مادرش وجود دارد بسیار مهم می‌باشد. همان طوری که رابطه صحیح کودک و مادر به رشد کلامی او کمک می‌کند؛ رابطه و رفتار غلط نیز، نه تنها سبب عقب افتادگی در رشد کلامی وی می‌شود، بلکه به نقص سخن‌گویی از جمله لکنت زبان منجر می‌شود. این روابط نامطلوب حتی هنگامی که کودک پا به دبستان می‌گذارد و افق اجتماعی وسیع‌تر می‌شود دست از کودک برنمی‌دارد و سخن‌گویی او را تحت تاثیر قرار می‌دهد. (احدی، ۱۳۷۲، ص ۱۸۶)

هرگاه نوزاد را قبل از ۳ ماهگی از مادر جدا کنند در وضع روانی او چندان تاثیر نامطلوبی ندارد. اما باید کسی باشد که مانند مادر به نوزاد محبت کند و از او سرپرستی و مواظبت نماید. از ۳ تا ۶ ماهگی جدایی از مادر تا حدودی موجب ناراحتی کودک می‌شود. بنا به تجربه‌هایی که به وسیله هارلو<sup>۱</sup> انجام یافته است پس از ۶ ماهگی جدایی کودک از مادر بسیار سخت و دارای اثرات ناگوار روانی خواهد بود. در شش ماهه اول رفتار مادر شامل شیر دادن، نوازش کردن، گهواره جنباندن، لالایی گفتن، زمزمه کردن، سربه سر گذاشتن و تحریکات حسی دیگر



<sup>۱</sup> - Harlow, H.F.



هستند که در رشد و پرورش نوزاد اثر فراوانی دارند. در واقع نوزاد برای ادامه و پیشرفت رشد خود به انگیزش کافی نیازمند است و این امر از سوی مادر و یا هرکس که پرستاری او را به عهده می‌گیرد انجام می‌شود. (پارسا، ۱۳۷۲، ص ۱۳۱)

## ۲- نقش عاطفی مادر بر رشد هوش کلامی کودک

آدمی هنگام تولد و مدت‌ها بعد از آن تحت تاثیر کامل انگیزه‌های فیزیولوژیک خود می‌باشد. انگیزه مادری یکی از نیرومندترین انگیزه‌هاست. این انگیزه در انسان به شکل‌های گوناگون بروز می‌کند و بستگی به فرهنگ و راه و رسم هر جامعه دارد. در آغاز دعای عرفه امام حسین علیه السلام می‌خوانیم: «و در آن هنگام که کودکی خردسال در گهواره بودم، از حوادث حفظ کردی و مرا از شیر شیرین و گوارا تغذیه نمودی و دل‌های پرستاران را به جانب من معطوف داشتی و با محبت مادران به من گرمی و فروغ بخشیدی». (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۸، ص ۳۰)

کودک خردسال برای ارضای بسیاری از نیازهایش یاد می‌گیرد که چگونه صحبت کند. چنانچه خواسته‌های او را برآورند بدون آنکه نیازی به خواهش و درخواست داشته باشد هیچگاه تحمل زحمت نمی‌کند و برای یاد گرفتن کاری مشکل مانند «حرف زدن» نمی‌کوشد. همچنین، اگر شیوه‌های دیگر تفهیم و تفهم، از جمله گریه و فریاد و یا اشاره، آن‌طور که باید نیازهای او را برطرف کنند و او پی ببرد که با کمک آن‌ها می‌تواند خواسته‌های خود را تأمین کند از علاقه‌اش به یاد گرفتن تکلم کاسته می‌شود و این موضوع باعث می‌شود که او دیر زبان باز کند؛ و در دوران طفولیت و نوجوانی نیز دایره لغاتی که می‌داند و بکار می‌برد محدود بماند. اگر پدر و مادر کودک به همان اشارات و صداهای تقریباً مبهم کودک خود قناعت کنند او هیچ‌گونه تغییری در شیوه تفهیم و تفهم خود نمی‌دهد، مگر هنگامی که با کودکان دیگر تماس پیدا کند و پی ببرد که آن‌ها

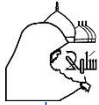
اشارات و صداهای او را نمی فهمند. این وضع، سبب می شود که او به صورت قابل فهمی سخن گوید. (احدی، ۱۳۷۹، ص ۱۷۲).

کودک، رفتار دیگران را از راه کارها و اشاره های دست و سرشان می فهمد نه کلمات آنان. مثلاً هنگامی که مخاطب قرار می گیرد رفتار خشم یا محبت را از قیافه و حرکات شخص در می یابد. همچنین، کودک مادرش را به وسیله «سرایت عاطفی» می شناسد؛ یعنی علائم غیر لفظی از قبیل خنده یا آهنگ صدای مادرش را می فهمد. به عقیده یکی از روانشناسان، میان مادر و فرزند سه نوع بستگی وجود دارند که عبارتند از: حرف زدن مادر، آثار چهره مادر، و کارهای او. کودک خردسال، معنای اوامر را از قبیل «نه - نه»، «بیا»، «بخواب» و ... را از طریق حرکت دست و چگونگی صدای شخصی که امر می کند درمی یابد و بتدریج دایره فهم کودک وسیع می شود (شعاری نژاد، ۱۳۸۶، ص ۳۱۳).

خداوند در سوره رحمن آیه ۳ و ۴ می فرماید: «خَلَقَ الْإِنْسَانَ \* عَلَّمَهُ الْبَيَانَ»؛ خداوند انسان را بیافرید و به او سخن گفتن آموخت. توانایی گویایی، یعنی مهارت بیان خواسته ها، حالات، ایده ها، قدرت ایجاد ارتباط با دیگران و در یک کلمه «زبان»، نعمت بسیار ارزشمند خداوند است که در قرآن شریف به عنوان اولین نعمت بعد از خلقت انسان بر سایر موجودات است؛ به دلیل ارتباط تنگاتنگش با دیگر جنبه های رشد اهمیتی خاص دارد (بی ریا، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۶۶۸).

### ۳- نقش رفتاری و عملی مادر بر رشد هوش کلامی کودک

تمام حالات جسمی و روانی مادر روی کودک تاثیر می گذارد زیرا؛ جنین در رحم مادر مانند یک عضو مادر است. همانطور که حالات جسمانی مادر و موادی که از آن تغذیه نموده است، روی کودک اثر می گذارد، افکار و اخلاق مادر نیز در جسم و جان فرزند تاثیر می کند و گاهی کودک بیش از خود مادر متاثر می شود. مثلاً اگر مادری در ایام بارداری سخت بترسد اثری که در بدن او از این حالت



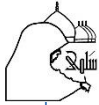


روانی پیدا می‌شود پریدگی رنگ چهره است؛ ولی کودک در شکم از این پیش آمد صدمه زیادتری می‌بیند؛ بطوری که در بدن نوزاد او لکه‌هایی دیده می‌شود که آن‌ها را ماه گرفتگی نامند. از این نکته باید پی برد که تا چه اندازه لازم است مادر در دوران بارداری از اندیشه‌های اندوه‌انگیز و از غم و غصه دوری جوید و صفا و آرامش خاطر خود را حفظ نماید (فلسفی، ۱۳۶۸، ص ۱۱۸).

در آیه ۲ سوره آل عمران «وَلِيْمَحْصَ اللّٰهُ الَّذِيْنَ آمَنُوا...» خداوند به یکی دیگر از نتایج طبیعی شکست جنگ احد اشاره می‌کند، و آن اینکه این گونه شکستها نقاط ضعف و عیوب جمعیتها را آشکار می‌سازد و وسیله مؤثری است برای شستشوی از این عیوب؛ قرآن می‌گوید خدا می‌خواست در این میدان جنگ، افراد با ایمان را خالص گرداند و نقاط ضعفشان را به آنها نشان بدهد، آنها می‌بایست برای پیروزیهای آینده در چنین بوته آزمایشی قرار گیرند و عیار شخصیت خود را بسنجند. اینجا است که گاهی پاره‌ای از شکستها آن چنان سازنده است که به مراتب اثر آن در سرنوشت جوامع انسانی از پیروزی‌های خواب‌کننده ظاهری بیشتر است.

در اینجا قرآن با استفاده از حادثه احد برای تصحیح یک اشتباه فکری مسلمانان اقدام می‌کند و می‌گوید: شما چنین پنداشتید که بدون جهاد و استقامت در راه خدا می‌توانید در بهشت برین جای گیرید، آیا شما گمان کردید داخل شدن در عمق آن سعادت معنوی تنها با انتخاب نام مسلمان و یا عقیده بدون عمل ممکن است؟ همچنین تربیت خانوادگی است؛ و این مسأله قطع نظر از تحلیلهای علمی و منطقی، شواهد عینی و تجربی فراوان دارد که قابل انکار نیست. به همین دلیل برای ساختن فرد یا جامعه آراسته به زیورهای اخلاقی باید به مسأله وراثت خانوادگی و تربیت‌هائی که از نونهالان در دامن مادر و آغوش مادر می‌بینند توجه داشت و اهمیت این دوران در ساختار شخصیت انسانها را هرگز فراموش نکرد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص، ۱۷۵)





عمل آدمی مطابق و هم سنخ نفس او صادر می‌شود هر قدر نفس دارای صفات کاملتری باشد عمل دارای کیفیت بیشتری از حُسن می‌گردد و این همان وسعت عرضی است و در اثر تکرار اینگونه اعمال ملکات فاضله رسوخ بیشتری در نفس پیدا می‌کند و در نتیجه صدور اینگونه اعمال دوام و بقای بیشتری می‌یابد و این همان وسعت طولی است. (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۱۵۰) در باطن انسان استعداد و قابلیت مخصوصی نهفته است که در هیچ حیوانی وجود ندارد. این قابلیت است که در مدارج ایمانی و مراحل اخلاقی می‌تواند آدمی را به اوج اعلاّی انسانیت برساند و او را از هر پلیدی و ناپاکی محفوظ نگاه دارد و در مجاری علمی و درک نوامیس خلقت انسان را حاکم بر جهان طبیعت کند و کلیه نیروهای ارضی و موالید زمین را مطیع و فرمانبردار او نماید و به اجرام آسمانی دست دراز کند و آن‌ها را مسخر نماید. ولی این سرمایه منحصر به انسان در باطن بشر به صورت قابلیت و استعداد است و خودبخود هرگز ظاهر نمی‌شود، فقط در پرتو تعلیم و تربیت است که آن ذخائر عظیم از قوه به فعلیت می‌آید و قابل بهره‌برداری می‌شود. (فلسفی، ۱۳۶۸، ص ۱۷۹) همچنان که در قرآن کریم آمده: «عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ، لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ». (سوره آل عمران ۵/۱۰۵)

ارضاء کامل تمایلات باطنی کودک و توجه به تمام جهات شخصیت او فقط در محیط خانواده میسر است، آغوش گرم مادران و دامن پر مهر آنان می‌تواند این وظیفه سنگین را به عهده بگیرد. گاهی کودک گریه می‌کند، نه دردمند است نه گرسنه. گریه او برای نوازش است، او گرسنه مهر و محبت بوده و برای غذای روانی خود گریه می‌کند. به محض این که مادر او را در آغوش می‌گیرد، به سینه می‌چسباند، دست نوازش بر سرش می‌کشد آرام می‌شود. نوازش یکی از غذاهای روانی کودک است و باید به اندازه لازم از این طعام روحانی تغذیه کند. در تجربیات اخیر معلوم شد که صدای قلب مادر برای بچه از هر آهنگ موزونی



جذاب‌تر و دلنشین‌تر است. زمانی که صورتش روی سینه مادر قرار می‌گیرد و صدای قلب مادر را می‌شنود، آرام می‌شود.

نفوذ پدر و مادر در سخن‌گویی کودک موثر است. اگر پدر و مادری زیاد سر به سر فرزند خود بگذارند و او را به حرف زدن تشویق کنند کودک زودتر زبان باز می‌کند. کودکی که تنها با مادرش یا یک پرستار سر و کار دارد زودتر از کودکی که با شش یا هشت پرستار در زمان‌های مختلف به سر می‌برد زبان به سخن می‌گشاید. کودکانی هم که مادرشان در خارج از منزل کار می‌کنند یا آنکه سواد و فرصت آن را ندارند که دست کم روزی ده دقیقه داستان یا مطلبی را با صدای بلند برایشان بخوانند معمولاً دیرتر از کودکان دیگر سخن گفتن می‌آموزند. (فلسفی، ۱۳۶۸، ص ۲۲۳)

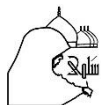
مورر<sup>۱</sup> معتقد است که تقلید و همانندسازی در اکتساب قدرت تکلم سهم بسزایی دارد. به نظر او کودک خردسال در اندک زمانی می‌آموزد که سخن‌گویی را با پاداش‌های گوناگونی که مادرش به او می‌دهد وابسته کند. مادر در حالی که به کودکش غذا می‌دهد یا بازی می‌کند حرف می‌زند. هنگامی که مادر خارج می‌شود و کودک تنها می‌ماند اگر بتواند چیزی را به صدا درآورد که به سخن‌گویی شباهت داشته باشد برای او تسکین‌بخش و جالب است. این امر موجب می‌شود که کودک مصاحبت و حضور مادر را از یاد نبرد. وقتی کودک چنین صداهایی را در نزد شخص دیگری به وجود می‌آورد توجه و لبخند و واکنش‌های مساعد او کودک را به ایجاد صدا تشویق می‌کند. با این روش به تدریج صداهایی را از راه تقلید می‌آموزد و از تکرار آن‌ها در حضور دیگران لذت می‌برد. وقتی کودک بتواند واژه‌هایی مانند «ماما» و «بابا» به موقع و برای شخص معین به

کار برد آن وقت است که از یادگیری ابزاری<sup>۱</sup> استفاده می‌کند. منظور از یادگیری ابزاری آن است که کودک زبان را وسیله اکتساب مقاصد و خواست‌های خود قرار می‌دهد. در واقع زبان آموزی در زندگی کودک مهمترین دگرگونی‌های کیفی و روانی را در بردارد (پارسا، ۱۳۷۲، ص ۱۴۲).

#### ۴- تاثیر اشتغال مادر بر رشد هوش کلامی

درباره این سوال که آیا اشتغال مادران خارج از خانه سازنده است یا زیان آور، جواب قطعی و روشنی نمی‌توان داد. میزان تاثیر اشتغال مادران شاغل بر فرزندان رابطه نزدیکی با ویژگی‌ها، نگرش‌های اجتماعی، شرایط موجود در خانه و اجتماع، جنس و سن کودک، و نیز علت اشتغال مادر دارد. در مجموع می‌توان گفت اشتغال تمام وقت مادران، به طور قطع تاثیرات نامطلوبی در رشد کودک به ویژه رشد عاطفی و کلامی او برجای می‌گذارد. خانه داری مادران نیز هنگامی می‌تواند روش تضمین شده‌ای برای تربیت سالم و شایسته کودک به حساب آید که مادران در محیط خانه رابطه خویش را با کودک حفظ کنند و نسبت به امور تربیتی آن‌ها اهتمام ورزند. توجه بیش از حد مادران به تنظیم و انجام دادن امور منزل و غفلت از ایجاد رابطه مناسب و لازم با فرزندان نیز زیان آور است. (بی‌ریا، ۱۳۷۵، ص ۸۵۸)

در این مورد به نمونه قرآنی اشاره می‌کنیم که مراقبت مادر برای فرزند لازم و ضروری است اما دوری موقتی آسیبی به کودک نمی‌رساند، و مادران باید تلاش کنند که برای تربیت کودک خویش برنامه تربیتی مناسبی داشته باشند. چنانکه خداوند در سوره قصص آیه ۷ به مادر موسی الهام می‌کند که کودک خود را شیر داده و سپس او را به دریا بیافکند که دوباره کودک را به مادر باز می‌گرداند «وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ ... إِنَّنَا رَادُّوهُ إِلَيْكِ وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ».





## عوامل موثر در تقویت رشد کلامی کودک

محیط تربیتی و ارضاء حس کنجکاوی کودک از راه پرسش و پاسخ در پیشرفت رشد کلامی او اثر بسزایی دارد. شاید به نظر عجیب جلوه کند، اما در حقیقت برخی از ابزارها در رشد کلامی کودکان موثرند و موجب انگیزش گویایی آنان می‌شوند. روان‌شناسان مهم‌ترین عواملی را که در رشد و سرعت کلامی کودک تأثیر دارند به قرار زیر مشخص نموده‌اند:

- ۱- نیروی عقلی و رشد کافی کودک
- ۲- تعلق داشتن به طبقات بالای جامعه از نظر تربیتی، اقتصادی و اجتماعی.
- ۳- اندوختن تجربه‌های فراوان در نتیجه مسافرت‌های آموزنده.
- ۴- ایجاد فرصت محاوره برای کودک، به ویژه با کسانی که مایل به صحبت کردن با او باشند و به گفته‌هایش با علاقه گوش فرا دهند (پارسا، ۱۳۷۲، ص ۱۶۰).
- ۵- تندرستی: کودکان سالم سخن گفتن را زودتر از کودکان ناسالم یاد می‌گیرند؛ زیرا بیشتر علاقه‌مندند که عضو گروه شوند و با اطرافیان خود ارتباط کلامی برقرار کنند.
- ۶- هوش: کودکان بهره‌مند از هوش‌بهر (IQ) بالا یاد می‌گیرند زودتر حرف بزنند و از برتری زبانی مشخصی برخوردارند.
- ۷- وضع اجتماعی- اقتصادی: معمولاً کودکانی که از وضع اجتماعی- اقتصادی خوبی برخوردارند زودتر از کودکان محروم در مهارت گویای تسلط پیدا می‌کنند، زیرا بیش از آن‌ها به سخن گفتن تشویق می‌شوند و فرصت‌های تمرین زیادی دارند.
- ۸- جنس: پسران، به عنوان یک گروه در یادگیری تکلم از دختران به عنوان یک گروه، کندترند. معمولاً جملات پسران در هر سن کوتاه‌تر از جملات دختران است و اشتباهات دستوری آن‌ها بیش از دختران می‌باشد، و خزانه لغات پسران کوچک‌تر است.

۹-علاقه به ارتباط: علاقه زیاد به برقراری ارتباط کلامی با دیگران طبعاً کودک را به هر چه زودتر آموختن تکلم برخواهد انگيخت.

۱۰-تحریک: کودکی که مرتباً به حرف زدن تشویق شود زودتر یاد می‌گیرد که حرف بزند.

۱۱-جایگاه تربیتی: معمولاً فرزند اول خانواده زودتر از فرزندان بعدی یاد می‌گیرد حرف بزند؛ زیرا والدین وقت بیشتری برای او صرف می‌کنند.

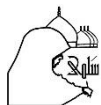
۱۲-روش‌های تربیت کودک: کودکی که در خانواده آزادمنش و سهل‌گیر زندگی می‌کند بیشتر تشویق می‌شود که حرف بزند و این مهارت را زودتر یاد می‌گیرد.

۱۳-تماس با همسالان: تماس بیشتر با همسالان از جمله عوامل بسیار موثری در سرعت یادگیری سخن گفتن است، زیرا کودک تلاش می‌کند هر چه زودتر مورد پذیرش ایشان قرار گیرد.

۱۴-شخصیت: کودکان برخوردار از سازگاری خوب، بیشتر متمایل‌اند بهتر حرف بزنند و کم و کیف لغات خود را بهتر گردانند. (شعاری نژاد، ۱۳۸۶، ص ۳۱۹)

## نتیجه

نیروی تفکر، تخیل و گویایی کاملاً به یگدیگر مربوطند و بدون شک، رشد کلامی عمل تفکر را آسان می‌سازد. از طرف دیگر، می‌دانیم که اساس موفقیت در زندگی، بیشتر به چگونگی و طرز تفکر بستگی دارد که بیان آن نیز به عهده زبان است و آسان و موثرگویی و عاقلانه گوش دادن از شرایط عمده موفقیت بشمار می‌رود. بنابراین، مساله «زبان و گویایی» یکی از مسائل مهم تربیتی و مستلزم توجه و دقت بیشتر است. چه بسا عدم پیشرفت کودکان در سخن گفتن و مهارت خواندن، در نتیجه غفلت والدین و مربیان بوده است. گفتار و هوش چنان با یکدیگر ارتباط و پیوستگی دارند که گفته می‌شود بهترین نمود هوش کودک شیوه گفتار اوست. تاثیر هوش نه تنها در شروع زبان گفتاری و درستی گفتار مشهود است، در کمیت و کیفیت واژگان کودک نیز، در هر سنی، موثر است.





هرچند ارتباط نوزاد با اطرافیان در اوایل زندگی، از طریق حرکات اشاره‌ای، دست و پا زدن‌ها، گریه و اعمال دیگر برقرار می‌شود و هرچند کاربرد اولین واژه‌ها توسط کودک مانع این نوع ارتباط نیست، با رشد بیشتر مهارت کلامی و کاربرد واژه‌ها و جملات پیچیده‌تر به تدریج در چگونگی ارتباط کودک با دیگران حالتی تازه به وجود می‌آید، دامنه ارتباط گسترده‌تر می‌شود و کودک در سایه رشد زبان با سهولت بیشتری ارتباط برقرار می‌کند. مطالعاتی که روانپزشکان کودک درباره ناراحتی‌ها و اختلالات عاطفی کودکان به عمل آورده‌اند، نشان می‌دهد که علت بیشتر این اختلالات محرومیت از مادر است. کندی در سخن گفتن، پایین آمدن بهره‌هوشی، پرخاشگری، ضعف استعداد تفکر انتزاعی و ... می‌تواند از آثار ناگوار محرومیت از مادر به حساب آید. در نتیجه حضور، محبت و رفتار مادر در رشد هوش کلامی کودک بسیار حائز اهمیت است که باید بدان توجه شود.

## منابع

### \*قرآن\*

### \*صحیفه سجاده\*

- ۱- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۶۶)، علل الشرائع، ترجمه هدایت الله مسترحمی، کتاب فروشی مصطفوی، چاپ ششم، تهران.
- ۲- ابن منظور الانصاری الرویفعی الإفريقي، محمد بن مکرم بن علی، (۱۴۱۴)، لسان العرب، دار صادر، الطبعة الثالثة، ۳ جلدی، بیروت.
- ۳- احدی، حسن، شکوه السادات بنی جمال، (۱۳۷۹)، روان شناسی رشد (مفاهیم بنیادی در روان شناسی کودک)، شرکت پردیس، چاپ دوازدهم، تهران.
- ۴- انوری، حسن، (۱۳۸۶)، فرهنگ بزرگ سخن، سخن، چاپ چهارم، ۸ جلدی، تهران.
- ۵- بی آزار شیرازی، عبدالکریم، (۱۳۷۸)، طب روحانی یا بهداشت روانی، فرهنگ اسلامی، چاپ چهارم، تهران.

۶- بی‌ریا، ناصر، (۱۳۷۵)، روانشناسی رشد، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها، تهران.

۷- پارسا، محمد، (۱۳۷۲)، روان شناسی رشد، بعثت، چاپ ششم، تهران.

۸- رضایی، اکبر، محمد احسان تقی‌زاده، (۱۳۹۳)، روانشناسی هوش و سنجش آن، دانشگاه پیام نور، تهران.

۹- شعاری نژاد، علی اکبر، (۱۳۸۶)، روان شناسی رشد، اطلاعات، چاپ هجدهم، تهران.

۱۰- طباطبایی، محمدحسین، (۱۴۰۲)، المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، چاپ دوم، بیروت.

۱۱- طبرسی، حسن بن فضل، (۱۴۱۲)، مکارم الاخلاق، چاپ چهارم، الشریف رضی، قم.

۱۲- طریحی، فخرالدین بن محمد، (۱۳۷۵)، مجمع البحرين و مطلع النیرین، مرتضوی، چاپ سوم، تهران.

۱۳- عیسی‌فر، احمد، (۱۳۹۱)، محمد (ص) آخرین پیامبر الهی، رایحه عترة، تهران.

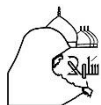
۱۴- فلسفی، محمد تقی، (۱۳۶۸)، کودک از نظر وراثت و تربیت، الحدیث، چاپ شانزدهم، تهران.

۱۵- لوپس، معلوف، (۱۳۸۶)، المنجد فی اللغة، اسلام، چاپ چهارم، تهران.

۱۶- مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳)، بحارالانوار الجامعه لدرر أخبار الائمة الاطهار، چاپ دوم، بیروت: دار احیا التراث العربی، بیروت.

۱۷- محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۸۳)، میزان الحکمه، چاپ چهارم، دارالحدیث، قم.

۱۸- مرکز فرهنگ و معارف قرآن، (۱۳۸۲)، دایرة المعارف قرآن کریم، بوستان کتاب قم، چاپ سوم، قم.



- ۱۹- معین، محمد، (۱۳۸۶)، فرهنگ فارسی معین، نامن، چاپ چهارم، تهران.
- ۲۰- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، دار الکتب الإسلامیة، چاپ دهم، تهران.
- ۲۱- .....، (۱۳۷۷)، اخلاق در قرآن، مدرسه الإمام علی بن ابی طالب (علیه السلام)، ۳ جلدی، قم.
- ۲۲- منصور، دادستان، (۱۳۷۴)، دیدگاه پیاژه در گستره تحول روانی، بعثت، تهران.

